



عملیات آزاد سازی سو سَنگرد (۲۶ آبان ۱۳۵۹ شمسی)، یکی از عملیات‌های موفق ایران در دوران دفاع مقدس بود. این عملیات، نقطه عطفی در ایجاد زمینه‌های تحول در وضعیت جنگ بود و باعث آزادسازی سوسنگرد و بیرون راندن نیروهای اشغالگر بعثی شد. سوسنگرد در دو ماه ابتدایی جنگ دو مرحله مورد حمله نیروهای ارتش عراق درآمد. در مرحله اول در ۶ مهر ۱۳۵۹ اشغال شد، ولی به‌رغم مقاومت و مبارزه نیروهای ایرانی به طور کامل آزاد نشد. در مرحله دوم در محاصره و در آستانه سقوط قرار گرفت که طی عملیات مشترکی با حضور ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای مردمی در روز ۲۶ آبان ۱۳۵۹ از محاصره خارج شد و نیروهای ارتش عراق ناچار به عقب نشینی از سوسنگرد و مناطق اطراف آن شدند.

۱ - موقعیت راهبردی سوسنگرد

شهر سوسنگرد یا خفاجیه مرکز شهرستان دشت آزادگان است که در ۶۵ کیلومتری شمال غربی اهواز در استان خوزستان واقع شده است. هویزه در جنوب غربی سوسنگرد و بستان در شمال غربی سوسنگرد قرار دارند. رود کرخه از شمال این شهر و شعب‌های از آن به نام نیسان از درون شهر از شمال به جنوب می‌گذرد. مردم سوسنگرد عموماً از شیعیان عرب‌زبان خوزستان هستند و پیشه عمده مردم کشاورزی است .

مردم این شهر در دفاع از کشور بویژه در [جنگ اول جهانی](#) در مقابله با نیروهای انگلیس و تحت رهبری علمای دینی وقت، سابقه دارند .

موقعیتی که سوسنگرد در آن قرار دارد جبهه میانی خوزستان بود و منطقه‌ای وسیع شامل حمیدیه، سوسنگرد و بستان را شامل می‌شد. ارتش عراق با کنترل سوسنگرد می‌توانست در هر قسمت از آن به جاده اصلی اهواز-حمیدیه-سوسنگرد-بستان دست پیدا کند. هر فرمانده نظامی ارتش عراق در همان بررسی اولیه از زمین منطقه به‌ویژه راه‌های مواصلاتی متقاعد می‌شد که جاده بستان-سوسنگرد بهترین معبر برای دستیابی به اهواز است و این دو شهر در صورت اشغال بهترین و سریع‌ترین مسیر تدارک‌رسانی به نیروها برای پیشروی به سمت هدف اصلی یعنی اهواز محسوب می‌شد .

سوسنگرد کلید فتح خوزستان بود و سرلشکر [حسن فیروزآبادی](#) رئیس سابق ستاد کل نیروهای مسلح ایران درباره اهمیت راهبردی سوسنگرد در [جنگ](#) گفته است: «دشمن بعثی تنها از جبهه سوسنگرد امید به فتح پایتخت کشورمان را در خیالش می‌پروراند .»

۲ - محاصره سوسنگرد

در آغازین روزهای جنگ، شهر سوسنگرد به جهت موقعیت جغرافیایی و قرار داشتن در جبهه میانی خوزستان مورد هجوم دشمن بعثی واقع شد. اهمیت این شهر برای دشمن از آن نظر بود که با در اختیار گرفتن آن، دشمن می‌توانست به عمق خوزستان نفوذ کند و خودش را به اهواز برساند. به همین علت ارتش عراق در دو ماه اول جنگ سه بار برای تصرف سوسنگرد تلاش کرد که با مقاومت شدید مردم مواجه شد اما در حمله سوم شهر در محاصره ارتش عراق قرار گرفت. مأموریت حمله به سوسنگرد برعهده لشکر ۹ زرهی عراق بود.

۲.۱ - مرحله اول

در نخستین روزهای حمله ارتش عراق به [ایران](#)، نیروهای عراقی از مرز چزابه وارد خاک ایران شدند و پس از اشغال شهر بستان به سوی سوسنگرد حرکت کردند. نیروهای عراقی مقاومت‌های پراکنده مدافعان محلی را درهم شکستند و روز ۶ مهر ۱۳۵۹ وارد سوسنگرد شدند. عراقی‌ها که از طریق اخبار جاسوسان خود متوجه کمبود نیروهای مدافع در این محور شده بودند، فرصت را غنیمت دانسته و بدون توقف در سوسنگرد، به سمت اهواز حرکت کردند. آنچه در فرآیند پیشروی عراقی‌ها تأثیر زیادی داشت وجود نیروهای ستون پنجم و از جمله

اعضای جبهه التحریر خلق عرب و شیوخ منطقه بود که به نفع عراق جاسوسی می‌کردند و اطلاعات مفیدی را در اختیار آنها قرار می‌دادند .

وقتی عراقی‌ها شهر را اشغال کردند، عده‌ای از این افراد در برابر تانک‌های عراقی به قربانی کردن گاو و گوسفند مبادرت کردند و به رقص و پایکوبی پرداختند. زمانی که صدام حسین رئیس جمهور وقت عراق برای مشاهده فتوحات سربازانش به سوسنگرد آمد، در مسجد کنار رودخانه کرخه، برای تعدادی از مردم که نتوانسته بودند از شهر خارج شوند سخنرانی کرد و فردی را که در زمان حکومت پهلوی امام جمعه بود و با پیروزی انقلاب اسلامی از طرف مردم برکنار شده بود، مجدداً به امامت جمعه سوسنگرد برگزید .

عراقی‌ها پس از اشغال سوسنگرد با دو فلش یکی سمت شمال کرخه و دیگری به سمت حمیدیه پیشروی کردند. آنها در جریان پیشروی رودخانه کرخه در منطقه خزعلیه پل زدند و در شمال سوسنگرد از حاشیه جاده در نوار ساحلی رودخانه کرخه عبور کردند و به سمت حمیدیه رفتند تا جاده آسفالت اهواز-سوسنگرد را به کنترل خود درآوردند. عراقی‌ها در مدت کوتاهی سه پل دیگر روی رودخانه کرخه احداث کردند و از طریق آن پل‌ها نیروهای تیپ ۴۳ و ۳۵ لشکر ۹ زرهی عراق تانک‌های خود را به طرف جنوب رودخانه منتقل کردند. سرعت پیشروی واحد مکانیزه لشکر عراق خیلی سریع بود. فاصله کوتاه شهر سوسنگرد تا اهواز و امکان الحاق با سایر واحدهای نظامی از لشکر ۵ مکانیزه که از سمت جنوب اهواز می‌آمدند، می‌توانست یک خطر نظامی بسیار جدی برای نیروهای ایرانی باشد و اهواز را در آستانه سقوط قرار دهد .

البته در حمیدیه تانک‌های عراقی در گل ولای منطقه زمین‌گیر شدند و نتوانستند پیشروی کنند. روز ۹ مهر عناصری از سپاه اهواز به فرماندهی علی غیور اصلی که از فرماندهان سپاه اهواز بود، شبیخونی به ارتش عراق که از مسیر سوسنگرد تا ۱۰ کیلومتری اهواز آمده بودند، زده شد. از آنجا که ارتش عراق انتظار چنین شبیخون و عملیاتی را نداشت دچار رعب و وحشت از حملات بعدی ایرانیان شد و با به‌جا گذاشتن تلفات و تانک و نفربرهای زیادی عقب‌نشینی کرد و سوسنگرد به‌دست رزمندگان ایرانی افتاد، اما به‌طور کامل آزاد نشد .

روز ۱۵ آبان آیت‌الله خامنه‌ای که به عنوان نماینده امام خمینی در ارتش و شورای عالی دفاع و فرمانده قرارگاه جنگ‌های نامنظم در منطقه حضور داشت، به سوسنگرد رفت و سرهنگ سیدکاظم فرتاش را به عنوان فرماندار نظامی شهر معرفی کرد و شهر تقریباً از اختیار گماشته‌های عراق خارج شد .

۲،۲ - مرحله دوم

بعد از سقوط خرمشهر در اواسط آبان سال ۱۳۵۹، نیروهای عراقی مجدداً به سوسنگرد از غرب و جنوب حمله و سرانجام این شهر را محاصره کردند. عراق در این منطقه یک لشکر زرهی با سه تیپ، یک گردان نیروهای

مخصوص، یک گردان پیاده، دو گردان کماندو، یک گردان شناسایی و ۹۰۰ نفر از افراد جیش‌الشعبی را مستقر کرده بود؛ در حالی که کل نیروهای ایرانی را تیپ سوم لشکر ۹۲ زرهی ارتش، رزمندگان سپاه پاسداران سوسنگرد، نیروهای ژاندارمری این شهر و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم زیر نظر مصطفی چمران تشکیل دادند.

بعد از متوقف ماندن پیشروی نیروهای عراقی در جنوب غربی اهواز و ناکامی آنان برای اشغال این شهر، تلاش اصلی آنان معطوف به این شد که در غرب، محور اهواز-حمیدیه-سوسنگرد-بستان را قطع کنند و به ترتیب تقدم حمیدیه یا سوسنگرد و یا بستان را اشغال کنند و سپس به سوی اهواز حرکت کنند. به این ترتیب حدود یک ماه از آغاز جنگ، از اوایل آبان، ارتش عراق پس از استقرار لشکر ۹ زرهی در جنوب هویزه، شهر سوسنگرد را از جهات مختلف مورد تهدید قرار داد. با گذشت حدوداً سه هفته و در پی سقوط خرم‌شهر، در روز ۲۲ آبان فعالیت عراق در اطراف سوسنگرد افزایش یافت و بالگردهای عراقی مواضع پدافندی ایران را که در محور حمیدیه-سوسنگرد مستقر بودند گلوله‌باران کردند و در ساعت ۸ و ۴۵ دقیقه همان روز شهر سوسنگرد را بمباران کردند. نیروهای هوایی و توپخانه‌های ایران نیز متقابلاً در محور طلائی-هویز-سوسنگرد واحدهای عراقی را بمباران کردند.

۲,۳ - مقاومت مردمی

در روز ۲۳ آبان از ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح شهر سوسنگرد از تمام جهتها زیر باران گلوله توپخانه عراق قرار گرفت و بالگردهای عراقی نیز محور حمیدیه-سوسنگرد را مورد حمله قرار دادند و در پوشش این آتش سنگین، واحدهای زرهی عراق از سمت غرب و جنوب به طرف سوسنگرد به حرکت درآمدند. در مقابل، نیروهای مردمی و سپاه پاسداران و ژاندارمری مستقر در سایر محورها تنها مجهز به سلاح سبک و ضد تانک بودند. پس از حمله همه‌جانبه عراق به سوسنگرد و محاصره آن، مقاومت نیروهای داخل شهر اجازه نداد نیروهای ارتش عراق شهر را به طور کامل اشغال کنند. روز ۲۴ آبان همه ساکنان غیر نظامی سوسنگرد از راه و بیراهه شهر را ترک کرده و از آن خارج شده بودند. بمباران و عملیات عراق با آتش شدید شروع شد و این نشان می‌داد که ستون پنجم عراق که در شهر بود به مردم خبر داده بود که عراق دوباره می‌خواهد وارد شهر شود و مردم مطلع فرار کرده بودند. در عصر همان روز محاصره شهر کامل شد.

در روز سوم تعدادی از تانک‌های عراقی وارد سوسنگرد شدند و مدافعان شهر که تعدادشان از ۵۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد، با سلاح‌های سبک و امکاناتی اندک و ناکافی در مقابل آنها به مقاومت پرداختند. از روز اول محاصره اکثر مهمات و آذوقه رزمندگان مدافع شهر به اتمام رسیده بود و حتی ارتباط تلفنی آنها نیز قطع شده بود.

این در حالی بود که وقتی در همین روز خبرنگاری از بنی صدر درباره محاصره سوسنگرد و تهدید اهواز و تصمیمات اتخاذ شده برای مقابله با این بحران سؤال می‌کند، وی در پاسخ می‌گوید: «در حال حاضر شهر

سوسنگرد در محاصره نیست. طبق اطلاعی که به من داده‌اند، آنها طی یک تلاش مذبحانه حملاتی به نیروهای ما وارد کرده‌اند که آن هم با شکست روبرو شده است.»

۳ - عملیات آزادسازی سوسنگرد]

با توجه به اینکه سوسنگرد برای تصرف شهر اهواز که برای عراق هدفی مهم در جنگ بود بسیار مهم و حیاتی به حساب می‌آمد خارج شدن آن از محاصره عراقی‌ها برای رزمندگان ایرانی بسیار اهمیت داشت. [سید ابوالحسن بنی صدر](#) که فرماندهی کل قوا را به عهده داشت به طرق مختلف در جریان وضعیت رو به سقوط سوسنگرد قرار گرفته بود، اما به شنیده‌های خود اهمیت نداده و اقدامی نکرده بود.

در روز ۲۵ آبان علی تجلایی فرمانده مدافعان شهر طی تماس با [آیت‌الله اسدالله مدنی](#) امام جمعه تبریز و از طریق او وضعیت سوسنگرد و کوتاهی ارتش در حمایت از مدافعان شهر را به استماع امام خمینی می‌رساند. مهم‌ترین اتفاق در آن زمان که معادلات جنگ سوسنگرد را تغییر داد صدور فرمان امام خمینی بود که «بایستی تا فردا سوسنگرد آزاد شود.» نیروهای ایرانی هم در پاسخی سریع به فرمان رهبر خود تصمیم گرفتند فردای همان روز به عملیاتی برای آزادسازی شهر دست بزنند.

۳،۱ - ستاد عملیات

بعد از ظهر ۲۵ آبان، ستاد عملیاتی لشکر ۹۲ زرهی در اهواز با حضور نماینده امام در شورای عالی دفاع (آیت‌الله خامنه‌ای)، رئیس ستاد مشترک ارتش (سرتیپ ولی‌الله فلاحتی)، فرمانده نیروی زمینی ارتش (سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد)، استاندار وقت خوزستان (محمد غرضی) و فرمانده لشکر ۹۲ (سرهنگ غلامرضا قاسمی نو) تشکیل شد. نتیجه جلسه این بود که **گروه** رزمی ۱۴۸ از لشکر **۷۷** خراسان و یک **گروهان** از تیپ ۳ لشکر ۹۲ به عنوان احتیاط در محور حمیدیه - سوسنگرد مستقر و سپس تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی مستقر در دزفول از خط عبور کند و سوسنگرد را از محاصره و اشغال دشمن برهاند. تهیه و تنظیم طرح عملیاتی نیز به عهده سرهنگ قاسمی نو گذاشته شد.

۳،۲ - شب عملیات

همان شب، با برنامه‌ریزی آیت‌الله خامنه‌ای و بر اساس اطلاعات میدانی مصطفی چمران از شهر و پیرامون آن، عملیات به این شکل طراحی شد که فردا صبح نیروی اصلی عملیات یعنی تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی اهواز به فرماندهی سرهنگ امرالله شهبازی باید حمله خود را به سوسنگرد آغاز کند.

اما ساعت حدود ۱ بامداد مصطفی چمران خبر لغو همکاری تیپ ۲ را به آیت‌الله خامنه‌ای داد. آیت‌الله خامنه‌ای در تماس تلفنی با سرتیپ قاسمی نو فرمانده لشکر ۹۲ زرهی از او شنید که فرمانده نیروی زمینی ارتش تیمسار قاسمعلی ظهیر نژاد خبر داده که تیپ ۲ نباید در عملیات شرکت کند. آیت‌الله خامنه‌ای سپس در تماس با ظهیرنژاد از او شنید که فرمانده کل قوا (سید ابوالحسن بنی صدر) دستور داده که تیپ ۲ برای انجام کار دیگری در دزفول، باید از شرکت در این عملیات خودداری کند و اگر در این عملیات شرکت کند منهدم خواهد شد با این دستور عملاً عملیات لغو می‌شد و سوسنگرد نیز سقوط می‌کرد و تمامی مدافعان داخل شهر کشته می‌شدند. این در حالی بود که چند روز قبل تیپ ۲ با هماهنگی آیت‌الله خامنه‌ای از اختیار سرتیپ ظهیرنژاد خارج و تحویل لشکر ۹۲ زرهی شده بود تا در نبردهای منطقه مشارکت داشته باشد.

L

آیت‌الله خامنه‌ای با اینکه قبل از ظهر آن روز از بنی صدر قول همکاری گرفته بود، چنین اتفاقی را پیش‌بینی می‌کرد و از توقف برنامه‌ها نگران بود. ایشان در نامه دیگری سرتیپ ولی‌الله فلاحتی را نیز در جریان مسائل قرار داد. فرمانده لشکر ۹۲ زرهی نیز که به آیت‌الله خامنه‌ای ارادت و علاقه داشت

تیپ را در حالت آماده‌باش قرار داد و صبح فردا عملیات به فرماندهی مصطفی چمران و سرتیپ قاسمی نو آغاز شد. چند فرزند بالگرد توپدار کبری نیز عملیات را حمایت می‌کردند.

۳،۳ - روز عملیات

در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح روز ۲۶ آبان یگان‌هایی از نیروهای مسلح ایران متشکل از تیپ ۲ و تیپ ۳ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز به فرماندهی سرهنگ قاسمی نو، گردان ۱۴۸ پیاده از لشکر ۷۷ خراسان، گردان ۳۷ زرهی شیراز و **گروه** جنگ‌های نامنظم زیر نظر مصطفی چمران با پشتیبانی آتش توپخانه و نیروهای هوایی و هوانیروز به منظور شکست حصر سوسنگرد دست به عملیات زدند. نیروهای کمکی سپاه پاسداران به فرماندهی علی شمخانی و نیروهای مردمی نیز به جبهه سوسنگرد اعزام شدند. **گروه**های جنگ‌های نامنظم در محور ابوحمیظه - سوسنگرد پیشروی کردند و نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مردمی در محور سوسنگرد-دهلاویه در مقابل تهاجم عراقی‌ها مقاومت می‌کردند. هنگ ژاندارمری سوسنگرد نیز در کنار سایر رزمندگان در دفاع از شهر شرکت داشت. تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی آبادی سبحانی را آزاد کرد و عملیات شمالی ارتش عراق با ناکامی مواجه شد. تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی نیز به همراه **گروه** جنگ‌های نامنظم در شمال و جنوب جاده حمیدیه- سوسنگرد به پیشروی خود ادامه دادند و به نیروهای عراق از دو طرف حمله کردند.

ساعت ۱۲ روز ۲۶ آبان تلاش ارتش عراق برای اشغال سوسنگرد در هم شکست و کم‌کم نشانه‌های عقب‌نشینی در عراقی‌ها نمایان شد. بعد از ظهر همان روز عقب‌نشینی ارتش عراق در شرق سوسنگرد به طرف جنوب آغاز شد و نیروهای عراقی تلاش می‌کردند هرچه سریع‌تر خود را از مهلکه نجات دهند و به جنوب کرخه عقب
بکشند.

عصر همان روز سرتیپ ولی‌الله فلاحی جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران از سوسنگرد دیدن و با رزمندگان ارتش و سپاه و مدافعان شهر گفت‌وگو و از آنان قدردانی کرد. در رابطه با پیروزی رزمندگان ایرانی در سوسنگرد، ستاد مشترک ارتش نیز اطلاعیه‌ای منتشر کرد. سرانجام در آخرین ساعات روز تمام نیروهای عراقی صحنه نبرد را ترک و به سمت جنوب عقب نشستند. تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی همراه سایر رزمندگان به سوسنگرد رسیدند و نیروهای عراقی در شمال غرب شهر به مواضع پدافندی خود عقب‌نشینی کردند. به این ترتیب شهر به کنترل کامل نیروهای ایرانی درآمد و با همکاری نیروهای داخل شهر، اقدام به پاکسازی عراقی‌های باقی مانده از شهر کردند.

۳،۴ - جزئیات عملیات

عملیات سوسنگرد به صورت نیمه گسترده و به فرماندهی مشترک انجام شد. این عملیات عمدتاً با مشارکت سپاه پاسداران و تیپ ۲ و ۳ لشکر ۹۲ زرهی خوزستان و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم انجام شد. تمامی هماهنگی‌ها برای انجام عملیات و نجات مدافعان درون شهر توسط آیت‌الله خامنه‌ای و مصطفی چمران انجام
گرفت.

در این عملیات مصطفی چمران که در خط مقدم شرکت داشت از ناحیه پا دچار جراحت شدید شد و یکی از محافظانش کشته شد، ولی چمران با کشتن راننده یک کامیون عراقی و به همراه دیگر محافظش با کامیون به عقب برگشت و برای مداوا به تهران انتقال یافت. در این عملیات ایران با ۶ گردان پیاده و زرهی و عراق با ۸ گردان پیاده و زرهی حضور داشتند. تلفات انسانی عراق در این عملیات ۷۹۵ نفر بود و تعداد ۴۵ نیروی عراقی نیز به اسارت درآمدند. علاوه بر غنیمت گرفتن ۲۵ دستگاه تانک و خودرو، حدود ۴۰ دستگاه تانک و خودرو عراق نیز منهدم شد. شش خلبان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز در این عملیات کشته شدند. سرهنگ قاسمی نو گفته است با غنائم به دست آمده از سوسنگرد سازمان ۶ گردان مکانیزه را تکمیل کرده است .

آیت‌الله خامنه‌ای درباره اهمیت اقدام مدافعان سوسنگرد گفته است: «باید به فکر اینها باشیم، اینها فرشته هستند. ضرر شهادت اینها برای ما به مراتب بیشتر از سقوط سوسنگرد است.»

۴ - تلاش مجدد برای اشغال

پس از آزادسازی سوسنگرد و عقب راندن ارتش عراق از شمال و شمال غرب این شهر، نیروهای ایرانی با آب‌انداختن در شمال رود کرخه (حد فاصل کرخه تا تپه‌های الله اکبر) توانستند در مقابل عراق مانع ایجاد کنند. به این ترتیب ارتش عراق ضمن این که مجبور شد طی چند مرحله از روستای هوفل تا مقابل سید خلف عقب‌نشینی کند، تا هفت روز به جنگ و گریز و گلوله‌باران سوسنگرد ادامه می‌داد و نیروهای فاتح سوسنگرد از شهر دفاع می‌کردند. گفته می‌شود **ملک حسین**، پادشاه اردن، کلید طلایی سوسنگرد را به صدام هدیه کرد تا با وانمود کردن سقوط سوسنگرد، به نیروهای عراقی روحیه دهند، به این امید که مقاومت شکسته شود و سوسنگرد سقوط کند .

اما پس از هفت روز ارتش عراق ناچار شد نوک پیکان حملات خود را متوجه جنوب جاده حمیدیه-سوسنگرد کرد تا بتواند این راه ارتباطی را قطع کند و با تهدید کردن شرق و جنوب شرقی سوسنگرد و در نهایت الحاق نیروهای مستقر در غرب و شرق این شهر، مجدداً سوسنگرد را محاصره و اشغال کند. به این منظور در ساعت ۴ بامداد ۲ آذر تهاجم عراقی‌ها از جنوب به شمال از محور جفیر-هویزه با اجرای آتش سنگین روی مواضع ایرانی‌ها ادامه یافت. پاسداران مستقر در حاشیه جاده با دشمن درگیر شدند و تا روشن شدن هوا توانستند با وارد کردن خساراتی عراقی‌ها را به عقب برانند. دو روز بعد در ۴ اذر یک گردان زرهی عراق همراه با نیروهای پیاده از سمت روستای حمودی سعدون به قصد تصرف جاده حمیدیه- سوسنگرد پیشروی کردند تا با در اختیار گرفتن جاده، به سوی روستای ابوحمیظه تغییر مسیر دهند و از شرق، سوسنگرد را به محاصره در آورند؛ اما در همان مرحله اول، مدافعان حرکت آنان را سد کردند. در این درگیری که از ساعت ۵ تا ۱۰ صبح ادامه داشت، عراقی‌ها با تحمل خساراتی عقب‌نشینی کردند. ساعاتی بعد، مجدداً نیروهای عراقی حمله کردند که این حمله نیز با شکست مواجه شد. به‌رغم این شکست‌ها، ارتش عراق از تلاش باز نایستاد و با تقویت نیروهایش در ناحیه حمودی سعدون، خود را برای حمله‌ای دیگر به سوسنگرد آماده می‌کرد. آنان تا پایان آذر ماه همچنان در جنوب جاده حمیدیه-سوسنگرد فعال بودند، ولی به اهداف خود نرسیدند؛ به همین علت تصمیم گرفتند در موضع پدافندی مناسب قرار بگیرد. بنابراین ارتش عراق در آخرین روز آذر ۱۳۵۹ از مواضع خود در شمال غربی سوسنگرد عقب‌نشینی کرد و در فاصله ۷ کیلومتری از مواضع سابق، در شرق روستای سید احمد مستقر شد. در ناحیه حمودی سعدون و حسین دهیش نیز به سمت جنوب عقب رفت و قسمت عمده‌ای از نیروهایش را از طریق پلی در ناحیه حیانیه، روی کرخه نور مستقر کرد. نیروهای مستقر در تپه‌های الله اکبر نیز حدود ۴ کیلومتر عقب نشستند.

۵ - سایر مناطق جبهه سوسنگرد

پس از عقب نشینی عراق از اطراف سو سنگرد، مناطق مرزی بستان و چزابه در اشغال عراق باقی ماند تا این که عملیات طریق القدس در نیمه شب دی ۱۳۶۰ به فرماندهی [سپهبد علی صیاد شیرازی](#) به اجرا درآمد و ۶۵۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران و مناطق بستان و چزابه آزاد شد و برای اولین بار نیروهای ایرانی به مرزهای [ببین المملی](#) رسیدند.

۶ - ویژگی های خاص عملیات

عملیات سو سنگرد از اولین عملیات های ارتش بود و در طول تاریخ جنگ اولین عملیات فاتحانه ارتش محسوب می شود. پس از این عملیات بود که نیروهای ارتش سازمان یافتند و کنار هم قرار گرفتند و توانستند در برابر ارتش عراق خط دفاعی سراسری از شمال تا جنوب ایجاد کنند .

این نخستین همکاری سازمان یافته میان سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران و نخستین عملیات مشترک بود که با همکاری هر دو نهاد انجام شد و به پیروزی رسید. اولین عملیاتی بود که با هدایت مستقیم آیت الله خامنه ای انجام شد و در این عملیات رسماً از خواسته [بنی صدر](#) که منجر به سقوط سو سنگرد می شد استنکاف شد و طبق تشخیص فرماندهان میدانی جنگ عمل شد. این اولین شکست سربازان عراقی از بدو ورود به خاک ایران بود. آنها که با تصور فتح تهران در عرض یک هفته وارد ایران شده بودند قبلاً با مقاومت نیروهای مردمی و ارتش و سپاه پاسداران مواجه شده بودند و ناچار به توقف و تاخیر در تامین اهداف خود شده بودند، اما در عملیات آزاد سازی سو سنگرد نه تنها شهری را که یک ماه نیم قبل اشغال کرده و اکنون در آستانه فتح کامل آن بودند از دست دادند، بلکه ناچار به عقب نشینی در مواضع پدافندی شدند و دریافتند که اشغال ایران و رسیدن به تهران با آسانی تصویری که قبل از ورود به جنگ داشتند نیست.

این عملیات ورق جنگ را به نفع نیروهای ایرانی چرخاند و اندکی پس از سقوط [خرم شهر](#)، شکستی را به ارتش عراق تحمیل کرد که موجب تضعیف روحیه نیروهای عراقی و تقویت روحیه نیروهای ایرانی شد. در بعد سیاست داخلی نیز موقعیت بنی صدر و جریاناتی را که در راه دفاع از کشور مانع تراشی گفتاری یا عملی می کردند را تضعیف و موقعیت ارتش، سپاه و مقاومت مردمی را تقویت کرد و به انسجام بسیج و جذب نیروهای مردمی به بسیج و سپاه تاثیر زیادی داشت.

۷ - افراد شرکت کننده در عملیات

در این عملیات تعداد زیادی از افراد نام‌آور و مشهور جنگ که برخی بعداً کشته شدند و برخی هنوز زنده هستند حضور داشتند از جمله:

- آیت‌الله سید علی خامنه‌ای؛

- مصطفی چمران؛

- قاسم‌علی ظهیرنژاد؛

- علی شمخانی؛

- علی تجلابی؛

- علی غیور اصلی؛

- ایرج رستمی.

۸ - عملیات‌های سوسنگرد

- عملیات «شبیخون شهید غیور اصلی» در ۹ مهر ۱۳۵۹؛

- عملیات آزادسازی و شکست حصر سوسنگرد در ۲۶ آبان ۱۳۵۹؛

- عملیات نصر در ۱۶ دی ۱۳۵۹؛

- عملیات امام مهدی در ۲۶ اسفند ۱۳۵۹؛

- عملیات امام علی در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۰؛

- عملیات شهید چمران (طراح عملیات) در ۵ مرداد ۱۳۶۰؛

- عملیات شهیدان رجایی و باهنر (کرخه نور) در ۱۰ شهریور ۱۳۶۰؛

- عملیات شهید مدنی در ۲۷ شهریور ۱۳۶۰؛

- عملیات طریق‌القدس در ۸ آذر ۱۳۶۰؛

- عملیات امیرالمؤمنین (چزابه) در ۱ اسفند ۱۳۶۰.